

## یک معنی انتزاعی دیگر از آواز و گشتگی آن در برخی از دستنویسها و چاپهای شاهنامه

معنی اصلی آواز در فارسی و پهلوی «صوت و صدا» ست و در فارسی از این معنی اصلی چند معنی دیگر نیز برآمده است، همچون «نعره، آواز خوش و نغمه، نام، شهرت و آوازه (نیک یا بد)، خبر و آگاهی، عقیده و رأی، دعوی بی برهان». در شاهنامه یک معنی انتزاعی دیگر آن «پی، سبب و بهانه» است که در برخی از دستنویسهای شاهنامه آمده است و در برخی دیگر به واژه ای دیگر گشتگی یافته است و در تصحیحهای کنونی شاهنامه، از جمله تصحیح نگارنده، یا اصلاً نیامده و یا اگر یکی دوباری آمده است، غالباً در اثر پیروی از دستنویس اساس و بدون آگاهی دقیق بر معنی آن بوده است. در زیر پنج مثال آن را که بنده تاکنون شناخته ام معرفی می‌کنم، ولی محتمل است که در شاهنامه و در متون دیگر فارسی باز هم به کار رفته باشد، ولی نگارنده فعلاً به علت قلت وقت از جستجوی بیشتر معذورم.

۱- در آغاز پادشاهی نوذر آمده است که چون نوذر بیدادگری پیشه کرد، نظام اجتماع بر هم ریخت، چنان که کدیور (در این جا یعنی مردم کشاورز) جزو سپاهیان درآمدند و دلیران و پهلوانان سپاه به خیال پادشاهی افتادند (یکم ۷/۲۸۵):  
کدیور یکایک سپاهی شدند      دلیران سزاوار شاهی شدند

در مصراع دوم سزاوار که در متن ما آمده است به پیروی از ف (برای نشانه دستنویسها به تصحیح نگارنده رجوع شود) و هشت دستنویس دیگر است. این ضبط اگرچه معنی را می‌رساند، ولی ضبط اصلی نیست و ضبط اصلی بر آواز است که در پنج دستنویس دیگر

آمده و در یک دستنویس دیگر به برآزار گشتگی یافته است. و اما آواز در این جا برآمده از معنی اصلی «صوت و صدا»، به معنی «پی و دنبال» است و بر حرف اضافه است: دلبران در پی پادشاهی شدند، به خیال پادشاهی کردن افتادند. توجه شود که براساس بینش ایران قدیم که در شاهنامه نیز منعکس است، پهلوانان هیچ گاه سزاوار پادشاهی نیستند، مگر آن که چنین معنی کنیم که آنها خود را به غلط سزاوار پادشاهی دانستند. ولی مثالهای دیگر نشان می دهند که ضبط اصلی برآواز بوده و در اثر شناختن معنی آن تغییر کرده است.

۲- در داستان جنگ هاماوران، پادشاه هاماوران که قبلاً دختر خود سوداوه را به کیکاوس داده بود، پس از آن که شبانه بر داماد خود می تازد و او و سران لشکرش را گرفته و به زندان می افکند، سپس زنان خود را پیش دخترش می فرستد تا مگر او را راضی کنند که از کیکاوس جدا گردد، ولی سوداوه راضی نمی شود و فرستادگان را با تاسزا از خود می راند (دوم ۱۷۴/۷۹):

فرستادگان را سگان کردن نام سمن کرد پُر خون از آن تنگ و نام  
مصراع دوم برابر ضبط ف است. درل آمده است: همی ریخت خونابه بر گل مدام  
(که واژه مدام خود گواه بر عدم اصالت آن است). درق: چنین گفت کز من نیاید کام.  
در و: همی ریخت خون و همی راند کام. درس<sup>۲</sup>: نشد اندر آن کار بدرای رام. در هفت  
دستنویس دیگر: سمن را پر از خون (زار پر خون، پر ز خون و، دلبران چون) بر آورد کام.  
درل<sup>۲</sup>: سمن پر ز خون و پر آواز کام. و درلن: سمن را پر از خون بر آواز کام.

متن درست، ضبط لن است که در پایان ثبت گردید (ولی محتمل تر به گونه: سمن کرد پر خون بر آواز کام): فرستادگان را سگ نامید و بر رخسار همچون سمن خود از پی کام (یعنی به خاطر آرزو و میل دل به کیکاوس) خون بارید. در این جا کمترین گشتگی از برآواز به پُر آواز انجام گرفته است و سپس به بر آورد و پس از آن در دستنویسهای دیگر به کلی از چهره اصلی خود دور شده است.

۳- در داستان سیاوخش، پس از آن که کیکاوس به خیانت سوداوه پی می برد، نخست قصد کشتن او را دارد، ولی سپس با خود می اندیشد که این کار سبب جنگ با هاماوران خواهد شد (دوم ۳۶۹/۲۲۷):

ز هاماوران زان پس اندیشه کرد که آشوب خیزد از آزار و درد  
در مصراع دوم، متن ما برابر ضبط ف، و، لن<sup>۱</sup> است. درس<sup>۲</sup> آمده است: بر آشوب و از  
جنگ و از دار و برد. درل<sup>۳</sup>: که آشوب ازو بود و تیمار و درد. در<sup>۴</sup> دستنویس دیگر: که

آشوب خیزد ز آواز و (ز آواز، ز آوای، هم آزارو، بر آزارو، به آزارو) درد. و در ق<sup>۲</sup>: که آشوب خیزد بر آواز درد.

در این جا ضبط درست، متن ق<sup>۲</sup> است که در پایان ثبت شد. یعنی: از پی (به خاطر، به سبب) دردی (که از مرگ سوداوه به پدرش شاه هاماوران خواهد رسید)، آشوب و جنگ برخواهد خاست. در این جا برخی از دستنویسها آواز را دارند و فقط حرف اضافه پیش از آن را تغییر داده اند و یا و عطفی افزوده اند و در برخی دیگر آواز نیز به آزار گشتگی یافته است.

۴- در پادشاهی قباد آمده است که قباد به سبب اختلافی که با سوفزا داشت، شخصی را به شهر ری می فرستد تا از شاپور رازی کمک بگیرد، ولی برای آن که کسی از مأموریت این شخصی آگاه نگردد، به او سفارش می کند که به بهانه نخچیر کردن برود (چاپ مسکو ۵۲/۳۲/۸):

به نزدیک شاپور رازی شود بر آواز نخچیر و بازی شود  
در این جا از ضبط همه دستنویسها چشم پوشی و تنها به آنچه که در حاشیه چاپ مسکو آمده است بسنده می کنیم. در مصراع دوم بر آواز گویا در سه دستنویس لن، ق<sup>۱</sup> و لن<sup>۲</sup> آمده است و ل ضبط به ایوان و ل<sup>۲</sup> ضبط به رای و به دارند (در چاپ مسکو نشانه دستنویسها به گونه دیگری ست). در بیت بالا بر آواز یعنی «در پی ← به بهانه».

۵- در پادشاهی خسرو پرویز هنگامی که خبر زادن شیرویه از مریم زن خسرو پرویز و دختر قیصر روم به روم می رسد، شهر را آیین می بندند (چاپ مسکو ۳۲۰۶/۲۰۰/۹):

بیستند آیین به بیراه و راه بر آواز شیروی پرویز شاه  
در مصراع دوم بر آواز در چاپ مسکو نسخه بدل ندارد. ولی نگارنده پس از رجوع به دستنویسهای اساس این چاپ، دید که در هر پنج دستنویس بر آواز آمده است که مصححان بر آواز گمان کرده و مانند موارد یشمار دیگر ضبط اصلی را ثبت نکرده اند. معنی بیت چنین است: (پس از شنیدن خبر تولد شیرویه) راه و بیراه را به خاطر شیرویه فرزند پرویز شاه آذین بستند.

واژه آواز در معنی ذکر شده، در فرهنگهای شاهنامه مانند مجسم شاهنامه از محمد علوی طوسی و لغت شهنامه از عبدالقادر بغدادی و واژه نامک از عبدالحسین نوشین نیامده است و در «فرهنگ ولف» نیز تنها مثال چهارم ما به «بهانه» معنی شده است. در فرهنگهای عمومی، نگارنده این واژه را در این معنی در لغت فرس و برهان قاطع و فرهنگ معین نیافت و در لغت نامه دهخدا تنها مثال پنجم ما آمده است و آواز از سیاق عبارت به «نام» معنی شده

است.

در چاپهای شاهنامه آنچه نگارنده در اختیار دارد، در مثال نخستین در چاپ مول (۹/۸) برآواز و در چاپ مسکو (۷/۶/۲) سزاوار آمده است. فقط در چاپ بروخیم (۹/۲۴۴/۱) ضبط درست برآواز دیده می شود. یعنی در این جا مصحح از ضبط نادرست برآواز که در چاپ اساس خود، یعنی چاپ مول داشته، صورت درست را حدس زده است و ضبط دیگری هم در اختیار نداشته است که دچار تردید گردد.

در مثال دوم در چاپ مول (۱۸۷/۱۲۵) برآواز گام و در چاپ بروخیم (۱۸۷/۳۹۰/۲) برآواز کام و در چاپ مسکو (۱۷۳/۱۳۷/۲) همی ریخت خونابه بر گل مدام آمده است. در این جا مصحح چاپ بروخیم متوجه غلط چاپی گام در چاپ مول شده و آن را به کام تصحیح کرده، ولی برخلاف مثال پیشین به نادرستی برآواز پی نبرده است. در چاپ مسکو یکسره از ضبط نادرست ل پیروی کرده اند و ندانسته اند که مدام واژه شاهنامه نیست.

در مثال سوم در چاپ مول (۴۰۹/۱۲۵) و چاپ بروخیم (۴۰۹/۵۴۵/۳) که برخیزد آشوب و جنگ و نبرد، در چاپ مسکو (۳۷۷/۲۸/۳) که آشوب خیزد برآواز و درد و در تصحیح مینوی از داستان سیاووش (نام سیاووش غلط رایجی است به جای سیاوخش) برابر ضبط ل که آشوب خیزد ز آواز و درد آمده است.

در مثال چهارم هر سه چاپ مول (۵۲/۴۰)، بروخیم (۵۲/۲۲۹۱/۸) و مسکو (۵۲/۳۲/۸) ضبط درست برآواز را دارند و این همان مثالی است که در «فرهنگ ولف» نیز به معنی «بهانه» ثبت گردیده است. در این جا ضبط درست در چاپهای بروخیم و مسکو و معنی درست آن در «فرهنگ ولف» را مدیون ضبط درست آن در چاپ مول هستیم که برخلاف دو مورد نخستین برآواز ثبت نکرده است.

در مثال پنجم در چاپ مول (۳۳۲۰/۴۳) و به پیروی از آن در چاپ بروخیم (۳۲۵۹/۲۸۵۹/۹) ضبط درست برآواز و در چاپ مسکو (۳۲۰۶/۲۰۰/۹) برخلاف همخوانی همه دستنویسهای اساس آن، ضبط نادرست برآواز آمده است.

و اما در تصحیح نگارنده، چنان که در آغاز دیدیم، هر سه مورد نخستین نادرست است و کار این تصحیح هنوز به دو مورد دیگر نرسیده است و البته براساس این گفتار می توان آن دو مورد را درست دانست. در مقابل برتری چاپ ما بر آن چاپهای دیگر در این است که در چاپ ما ضبط درست در هیچ موردی از دست نرفته، بلکه همراه تمام تغییرات جزئی و کلی آن در پایین صفحه ثبت شده است و این شیوه ثبت نسخه بدلها در این جا و جاهای دیگر

به ما و به پژوهندگان دیگر امکان می دهد که ضبط درست را از نادرست بشناسیم و بشناسانیم تا در چاپهای آینده به متن برده شوند و گامی به سوی متن اصلی نزدیکتر گردیم. به سخن دیگر، ما با شیوه ثبت نسخه بدل‌های خود راه پژوهش متن شاهنامه را بر روی اهل پژوهش باز کرده ایم.

و اما مثال آواز یک بار دیگر اهمیت این اصل را در علم تصحیح به ما نشان می دهد که می گوید: ضبط دشوارتر برتر است. نگارنده برای توجه بیشتر پژوهندگان به این اصل، در پایان این گفتار از یک مثال دیگر نیز یاد می کند.

در داستان رستم و سهراب در نخستین برخورد دو پهلوان با یکدیگر، رستم به سهراب می گوید (دوم ۱۶۹/۶۴۰):

بدو گفت: از ایدر به یک سوشویم به آوردگاهی پی آهوشویم  
در مصراع دوم ضبط پی آهو در متن ما، تنها در ل<sup>۱</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۳</sup> آمده است. ف و پنج  
دستنویس دیگر بی آهو، ل<sup>۲</sup> چو آهو، ل هر دو همرو و ق به هامون دارند. در چاپ مول  
(۸۹۱/۱۲۵) به بیرون (بدون قافیه)، در چاپ بروخیم (۸۹۱/۴۸۸/۲) بی آهو، در چاپ  
مسکو (۶۷۶/۲۲۲/۲) و در تصحیح مینوی از این داستان (۶۶۶/۶۵) به پیروی از ل هر  
دو همرو آمده است. ولی ضبط درست همان ضبط دشوارتر پی آهوست و بی آهو شدن یعنی  
«دوتایی بودن جدا از دیگران». در کتاب التفهیم بیرونی (تصحیح همائی، ص ۱۰۰) آمد  
است: «وزیر بنات العش بر پایهای خرس بزرگ ستارگان خرداند دوگان دوگان، ایشان  
را جستن آهوان خوانند. زیرا که هر دوی را از آن به پی آهوی تشبیه کرده اند». بر اساس  
این توضیح، معنی بیت ما چنین است: رستم به سهراب گفت که از این جا به سوی بروید  
که در آوردگاهی پی آهو گردیم، یعنی دوتایی دور از دیگران باشیم.

بخش تاریخ و فرهنگ خاور نزدیک، دانشگاه هامبورگ